

نقاسی ه علی برای اجرای نمایشنامه معاصر

پژوهشی از مسعود کاظمی

■ نام کتاب : نقالی محفلی برای اجرای نمایشنامه معاصر

■ پژوهشی از مسعود کاظمی

■ تیراژ : ۱۰۰ نسخه

■ ناشر : انتشارات آثار برتر

■ چاپ اول : بهار ۱۳۹۸

■ قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان

✓ انتشارات آثار برتر : Bartarasar@gmail.com

تلفن : ۰۹۲۱۱۲۷۲۳۸ - ۰۲۶۳۲۷۰۴۱۹۳

سرشناسه: کاظمی، مسعود، ۱۳۶

عنوان و نام پدیدآور: نقالی محفلی برای اجرای نمایشنامه‌ی معاصر / مسعود کاظمی.

مشخصات نشر: کرج: آثار برتر، ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۳۵-۶۴۲۶-۶۲۲-

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: بیضایی، بهرام، ۱۳۱۷ - نقد و تفسیر

موضوع: Bayzai, Bahram. Critical interpretation

موضوع: نقالی - ایران - تاریخ - قرن ۱۴ - نمونه پژوهی

موضوع: Naqqali in Iran - History - ۲۰th century -- Case studies

موضوع: پرده خوانی - ایران - تاریخ - قرن ۱۴ - نمونه پژوهی

موضوع: نمایش - ایران - تهیه کنندگان و کارگردانان - نمونه پژوهی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ ن ۷/ک۲ PI R۴۲۱۲

رده بندی دیوبی: ۸۲۱۵/۲۱۵۰

شماره کتابشناسی ملی : ۵۶۱۳۱۱۴

■ فهرست... ■

مقدمه

- ۱..... نمایش و پیشینه ی آن در ایران
- ۷..... ریختارهای نمایش ایران
- ۱۲..... شیوه های کارگردانی معاصر و بررسی نمایش ملی در ایران
- ۳۴..... نگاهی به تاریخ کارگردانی و شیوه های آن در تئاتر ایران و نیز تئاتر ملی
- ۵۷..... ظهور و تأثیر بهرام بیضایی در نمایش ایران
- ۶۰..... بیضایی و نویسندگی
- ۷۶..... بیضایی و کارگردانی

روایتگری های نمایشهای ایرانی.....	۸۵
پرده خوانی.....	۸۹
ویژگی های یک پرده خوان.....	۹۲
تویات مجلس پرده خوانی.....	۹۳
نقش.....	۱۰۲
یافه ها.....	۱۱۳
آزداهاک (بازی بازنی و بازآفرینی).....	۱۱۳
آرش (بررسی بازی و بازآفرینی).....	۱۱۹
کارنامه ی بندار بیدخش.....	۱۲۵
راهکارها و پیشنهادات.....	۱۳۷
نتیجه گیری.....	۱۴۳
منابع.....	۱۴۶

■ فهرست اشکال

- ۱- (دو تصویر از پرده و پرده خوان)..... ۱۰۱-۱۰۰
- ۲- (مرشد والی الله ترابی در حال نقل داستانی از شاهنامه)..... ۱۱۲
- ۳- عکس ها مربوط به اجرای کارنامه ی بندار بیدخش به کارگردانی آرش اشاداد می باشد..... ۱۳۶

■ مقدمه...

هنر نقالی و قصه‌گویی از کهن‌ترین هنرهای رایج در جوامع انسانی است. این هنر در ایران زمین نیز پیشینه‌ای بسیار کهن دارد که وجود قصه‌های گوناگون موجود در ادبیات کلاسیک و اقسام گوناگون ساکن در این سرزمین خود شاهدی بر این مدعا است. علاقه به این هنر چنان در ایران زمین رواج داشته است که عده‌ای

معتقدند وجود آن را شاید بتوان به عنوان یکی از دلایل عدم شکل گیری نمایش ویژه ایرانیان - نمایشی چون تئاتر یونانی - به شمار آورد. نقالی در ایران اما انواع گوناگون داشته و دارد که مهمترین آنها از نظر چگونگی بهره بردن از وسایل جنبی و نقش پذیری عبارتند از:

۱- نعل موسیقایی که از کهن ترین اشکال نقالی به شمار می آید و مابرای اسناد قدیمی ترین نقالان که به این شیوه قصه می گفته اند گوسان بای یا ی بودند که بعدها راه ایشان را خنیاگران ساسانی ادامه دادند و از سانی چون کین ایرج یا کین سیاوش در موسیقی کهن ایرانی خود پیروی بر این مدعا است. اسلاف این نقالان در روزگار ما در اقصی نقاط کشور هنوز به فعالیت خویش در جشن ها و شادی ها و مراسم آیینی ادامه می دهند که از جمله آنها می توان به عاشیق های آذری، بخش های ترمن، چرکه خوان های کرد و... اشاره نمود.

۲- نعل با استفاده از تصاویر است که می گویند جستن نشانه های آن را در گروه های مبلغ مانوی که از یک واسطه یک نمایش که از اساطیر مانوی سخن می راند تشکیل شده بود می توان یافت. در دوران اسلامی به ویژه در حکومت صفویان این شیوه نقل و ان قابل ملاحظه ای پیدا کرد چنان که نمونه های آن را در «شمایل گردانی» و «پرده خوانی» که به جهت تبلیغ مذهب شیعه در کانون توجه قرار داشت، می توان دید.

۳- شیوه دیگری از نقالی که مانند دو گروه قبلی نیازی به قصه گویان حرفه‌ای در آن حس نمی‌شود و در قدیم افراد با سواد ساکن روستا و با عشیره آن را برعهده دانسته‌اند نقل با استفاده از متون مکتوب است که در شب‌های زمستانی در سال ارایه می‌شد و تاریخ نویسان دوران صفویه اشاراتی به برخی از افراد صاحب نام در این شب نقل کرده‌اند^۴- گونه‌ی دیگری از نقالی که بیشتر مورد توجه نظریه‌پردازان و تاریخ‌نویسان نمایش در ایران قرار گرفته است «نقل نمایش» است که متکی بر توانایی‌های نقل در نقش‌پذیری و ارایه شخصیت‌های همانان قصه بود و تنها با استفاده نقال از امکانات بیان و بدن نمایش اجرا می‌شد. این شیوه نقل از دیرباز در ایران زمین وجود داشته است. چون سایر نحله‌های نقل از دوران صفویه و با به وجود آمدن قهوه‌خانه‌ها به عنوان پاتوق این گروه از قصه‌گویان گسترش فراوانی یافت. چنان‌که نظامی نمایشگر از این پس برای اقشار گوناگون مردم به هنرنمایی می‌پرداختند. نقل نمایشی در دوره‌ی صفویه به اوج تکامل خویش رسید. اما پس از مشروطه و به ویژه پس از سقوط سلسله قاجار کم‌کم و به تدریج اشکال گوناگون ارایه قصص در تماشاخانه‌ها و بعدها رادیو و تلویزیون رونق خود را از دست داد.

«حسین واعظ کاشفی سبزواری» نقال وقصه گو را از اهل معرکه قلمداد می‌کند که شرح مبسوطی از چگونگی اجرای آن را در

باب ششم کتاب خویش، «فتوت‌نامه سلطانی» آورده و می‌نویسد:

بدان که معرکه دراصل لغت حرب‌گاه را گویند... و در اصطلاح موضعی را گویند که شخصی آنجا بازایستد و گروهی مردم آنجا بر وی جمع شوند و هنری که داشته باشد به ظهور رساند و این موضوع را معرکه گویند. برای آنکه چنانچه در معرکه ی حرب هر فردی که هنری داشته باشد بروز می‌نماید و اظهار آن می‌کند اینجا نیز معرکه گف. هنر خود ظاهر می‌کند چنانچه در حرب‌گاه بعضی به هنرنودن و دعول‌اند و بعضی به تفرج، اینجا نیز یکی هنر می‌نماید و گروهی سرج می‌کنند.

او اهل معرکه را به سه گروه تقسیم می‌کند:

اول: اهل سخن، دوم: اهل زیر، سبام اهل بازی و در شرح «اهل سخن» می‌نویسد: اینان سه طایفه است: اول (مداحان و غرآخوانان و سقایان)، دومی خواص گویان و بساط اندازان، سیم قصه خوانان و افسانه گویان.

که قصه‌خوان و افسانه‌گو از جمله ی این گروه «سیم» هستند، و از جمله اینان گروهی هستند که در ادامه ی «سنت مداحان شمال گردان» نقل خویش را با توسل به تصاویر نقاشی شده بر پرده‌ای، که در زمانی مناسب «از طلوع آفتاب تا دم غروب» بر دیوار شکسته ی گذرگاهی روستایی، کنج میدانی یا گوشه

ی محوطه مقبره‌ای می‌آویختند، عرصه می‌نمودند، روشی که به خصوص در عرصه حکایت‌خوانی‌های مذهبی نه تنها در سرزمین ما بلکه در بسیاری از نقاط جهان معمول بوده است. این شکل از قصه‌گویی نمایشی که «پرده‌خوانی» نامیده می‌شود همچون سایر اشکال معرکه پس از قدرت یافتن «صفویان»، که سعی در ایجاد وحدتی ملی با تکیه بر مذهب شیعه در مقابله با سلاطین عثمانی را داشتند، واحد بسزایی یافت و به مثابه یکی از وسایل تأثیرگذار ارتباط جمعی سنتی جهت تهییج احساسات مذهبی ایرانیان و هدایت آن در استقامت اهداف حکومت به کار گرفته شد چنان که در جنگ شاه اسماعیل صفوی با ازبکان یکی از راه‌های برانگیختن مردم و تشویق مشارکت برای پیوستن به سپاهیان «صوفی بزرگ» جهت مجازات ازبکان، دوستان اشقیا شمرده می‌شدند، استفاده از پرده‌خوانان بود، افرادی که کارشان نوعی فعل عبادی تلقی می‌گردید. پرده‌خوانی نیز ریل گشودن تصاویر و نقل و انتقال فکری از صحنه‌ای به صحنه‌ای رابطه حاکمیت در آوردن چشم از منظره‌ای به منظره‌ای از مناظر مصیبت و عجزهای گوناگون است که از ترکیب نقاشی و تعزیه و خیال‌پردازی و خیال‌آزایی و بدیهه‌گویی توسط استادانی عامی اما سخن‌سنج، مناسب خیال و موقع‌شناس، که با چهره‌شناسی و تسلطشان بر روانشناسی عوام ارتباطی مستقیم با مخاطبان ایجاد می‌نمایند، پدید آمده است.

هنر نقالی و شیوه های گوناگون آن علیرغم ازدست دادن بسترهای طبیعی ارائه به سبب تغییرات اجتماعی از ویژگی های برخوردارند که به ویژه در پی پدید آمدن نحله های جدید تئاتر غربی، که به بهره بردن از آیین ها و سنن معطوف گشته اند، برخی از رهروان آثار معاصر ایران را نیز به سوی خود جلب کرده اند. بهرام بیضایی یکی از این هنرمندان است که پژوهش حاضر با بررسی آثار او و به ویژه کارگردانی‌هایش در نمایش کارنامه بندار بیدخش، چگونگی به کارگیری نقالی و عناصر آن محملی برای روایت نمایشنامه های ایرانی را به بحث می‌نهد.

البته بدیهی است که پژوهشگر در این تحقیق به دنبال ارائه ی راهکاری برای احیا و رونق مجدد نقالی سنتی از طریق اجرای آثار معاصر در قالب و فرم نمایش سنتی (پرده خوانی و نقالی) است که از نظر وی یکی از مناسبترین راهکارها برای دستیابی به نمایش ملی (یعنی محتوای تازه در فرم سنتی) است. زیرا با این اتفاق هم پیشینه ی هنری سرزمین حفظ خواهد شد و هم نسلی تازه می‌تواند دغدغه ها و آرزوهای خود را در این آیینی زنده بدمد. غبار به تماشا بنشیند). پیشنهادی که آثار بهرام بیضایی و نقالی بارزی برای آن به شمار می‌آیند، در ادامه ی پژوهش به تفصیل به ارائه ی این راهکار پیشنهادی خواهیم پرداخت.